

آسیبی که در ذات شهر پنهان است

بی خانمانی و شب‌های دراز!

تاریخ، فرهنگ و زندگی روزمره ما همزمان در خانه و مسکن بهم گره خورده‌اند، از این نظر مسکن تنها برای بقا و زنده ماندن نیست، بلکه الزامات و اقتضائات خود را به تمامیت هستی و شیوه زندگی انسان تحمیل کرده است و در عین حال تمام اجزا و عناصر فرهنگ یعنی مذهب، جهان‌شناسی، هنر، علم، تکنولوژی، اقتصاد، سیاست، اسطوره‌ها و زیباشناسی همه و همه با خانه در آمیخته‌اند. چنین است که شیوه‌های معیشتی و زیستی گوناگون مانند دامپروری، کشاورزی، صنعتی هر کدام نظام مسکونی خاص خود را به وجود آورده‌اند.



ادریخ، روزنامه‌نگار

هم هست، جلوتر می‌روم وزن متوجه حضور می‌شود. در حالی که به کارش ادامه می‌دهد می‌گوید: «برورد کارت. این جاقفط برای به نفر جاست، مزاحم نمی‌خوام.» همین که حرف می‌زند جرات می‌کنم و نزدیک‌تر می‌شوم. می‌گویم فقط می‌خواهم یک نگاهی به این جا بیندازم. ترس می‌کنم: «که چی بشه؟؟ خوب بیابین ولی قرار نیست بمونی‌ها!» می‌گویم نه، نمی‌مومم... فقط یه نگاه. جایی که زن بسری‌ا گذران شب پنهانش کرده، احتمالا قسمتی از بی یک ساختمان نیمه کاره است که به حال خود رها شده. برای ورود به آن باید کمی از شب‌باین بی‌راسر خورد و رفت پایین‌و چنان پایین می‌رود که انگار در دست دارد وارد خانه خودش می‌شود، اما من تا پای پیش می‌گذارم تا تکف بی، سر می‌خورم و می‌روم پایین. این جا، الونک به زن بی‌خانمان است. در مورد جایی که او به‌عنوان سر بنامه‌ها کرده، نمی‌خواهم از تعبیر «کارتن خوابی» استفاده کنم. چون جایی که در آن هستم، حتی اگر این همه گود، کمتر شباهتی به الونکی کارتنی دارد؛ بیشتر شبیه خانه نیمه‌سازی است که این زن فرسوده و خسته، دیوارهای آن را با انواع پارچه‌های مختلف پوشانده و به آن شکل و شمایی خاص داده است. حتی دوسه جای دیوار راهم کنده و برای خودش طاقچه در دست کرده چیزهایی روی آن گذاشته است.

زن که از سر خوردن و افتادن من تعجب کردیمایی حوصلگی می‌گوید: «ای بابا چرا اومدی پایین؟ حالا بالا رفتنت مصیبتیه. من که نمی‌تونم هلت بدم»

بری بالا. شیم نمی‌دارم این جا بمونی.» ناخودآگاه می‌پرسم پس خودت چه طوری می‌ری بالا؟ می‌گوید: «اونش دیکه به تو مربوط نیست» برای روشن کردن اجاقش، توی همین دیوار یک حفره کنده و آن را با چوب و کنده درخت پر کرده، مشغول روشن کردن آن می‌شود و از چرخ‌خبرش، نایلکس‌هایی را که توی شان سبزی و میوه هست درمی‌آورد. می‌پرسم اسم این جا چاره می‌گذاری؟ می‌گوید: «چرا اسم خودمو نمی‌پرسی؟... خب این جا خونمه چند ساله این جا زندگی می‌کنم. دوشم دارم. بهش عادت کردم. فک نکنم تونی منو از این جا بندازی بیرون. اصلا تواز کجا اومدی. برای چی اومدی؟»

شهر خانه‌رامی گیرد سکونتگاه‌های دهدا

برداشت شما از خانه چیست؟ به آن چگونه نگاه می‌کنید؟ البته استفاده از تعبیر «نگاه» در این مورد، امروز چندان مفهومی ندارد و ساز و کار اجتماع امروز، خانه بیشتر امری ذهنی است تا مفهومی بیرونی و عینی. برای ما «خانه» فقط یک اتفاق در ساخت معماری نیست که البته این هم می‌تواند باشد، اما وقتی «درون» داریم، در درون خود هستیم. درون خانه، دقیقاً با درون و شخصیت، آمال و اهداف و روش‌های هویت‌یابی ما ارتباط برقرار می‌کنند. خانه، بسری‌ای ما یا خود مفهوم «خاطره» راه‌هم به‌همراه دارد. ما، خانه، در ساحت ذهنی، خاطراتی داریم از رابطه‌هایی که در درون و بیرون

در دنیایی که ویژگی مسکن از توجه به فیزیک خانه (House)، به حریم فردی و آسایشی آن (Home) تغییر کرده است. توسعه شهرنشینی «خانه» ای را که درباره‌اش صحبت کردیم، دارد کم‌کم از بسیاری از کارکردهای سنتی‌اش جدا می‌کند. محل غذا خوردن، محل تفریح و آسایش، محل ملاقات و میهمانی، محل جشن‌ها و برگزاری آیین‌ها و محل کار و البته تولید، همه چیز به‌جز محل خواب را به فضاهای شهری منتقل کرده است. اکنون دیگر در شعار «شهر ما خانه ما» بیش از آن که خانه «استعاره‌ای» برای شهر باشد، بیانگر و توصیف «واقعیت» است. امروزه بخش عمده‌ای از اوقات مهم زندگی مادرشهر و فضاهای مکان‌های گوناگون شهری سپری می‌شود و ما برخلاف دوران‌های گذشته، مدت کمی در «درون» منزل حضور داریم. مادر جیح می‌دهیم جشن تولد و از دوایج و مهمانی‌ها و حتی عزاداری‌های مان را در سالن‌ها و کافه‌های مختلف برگزار کنیم و نه در خانه‌مانی خانه‌جایی بود که خاطرات و تجربیات کودکی در آن شکل می‌گرفت. اما امروزه خاطرات ما دیگر مختص به محیط خانه نیست.

«خانه» چیست؟!

نعمت الله فاضلی جامعه شناس، خانه را این گونه تعریف می‌کند: «فضای مسکونی که انسان‌ها در آن اقامت و زندگی می‌کنند. این فضای مسکونی با دیوارها، کف، سقف و در و دروازه‌اش هویت خانه مسکونی پیدای می‌کند. این ساختار «پناهگاه» یا «جان‌پناه» برای انسان در مقابل باد، باران، گرما، سرما و در عین حال حیوانات و از جمله «انسان‌های دیگر» فراهم می‌سازد. خانه معمولاً محل اقامت دائم یا نسبتاً پایدار خانواده یا خانوار (یک یا چند نفره) است. افراد ممکن است برای کار یا فراغت از خانه خارج شوند اما حداقل برای «خواب» به خانه برمی‌گردند. انسان همواره در طول تاریخ مجبور به ساختن و داشتن خانه بوده است، زیرا انجام انسان به‌خصوص در سال‌های نخست تولد قادر نیست بدون داشتن جان‌پناه در طبیعت به حیات خود ادامه دهد. خانه‌ها از دیدگاه اقتصادی نوعی «کالا» است. دیدگاه هنری «مباد» از دیدگاه جامعه‌شناسانه «تهداد» از دیدگاه مهندسی و معماری «بنا» یا ساختمان است. دیدگاه شهرسازی «فضا» و از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی «فرهنگ» است. درک خانه و جایگاه آن در نظام روابط اجتماعی مردم و جامعه نیز باید نظر گرفتن تمامی وجوه نمادین، نهادین، مادی و زیباشناسانه خانه یا همان «فرهنگ خانه» امکان‌پذیر است.»

فاضلی البته به مورد مهم‌تری نیز اشاره می‌کند: «اما خانه به‌جز جان‌پناه بودن، کارکرد فرهنگی هم دارد؛ کارکرد فرهنگی خانه بیشتر از هر چیز حفظ و صیانت از ارزش‌های جمعی است. در فرهنگ ایرانی، خانه محلی برای تجلی بخشیدن به ارزش‌های سنتی، دینی و حفظ خانواده است. از این رو مفاهیم خانه

ما بر خلاف دوران‌های گذشته، مدت کمی در «درون» منزل حضور داریم. ما تر جیح می‌دهیم جشن تولد و از دوایج و مهمانی‌ها و حتی عزاداری‌های مان را در سالن‌ها و کافه‌های مختلف برگزار کنیم و نه در خانه

برقرار کرده‌ایم. هم چنان که این زن بی‌خانمان درباره الونکش، از تعبیر «خانه» استفاده می‌کند، حتی اگر جایی که او در آن شهرارزی می‌کند با هیچ‌کدام از استانداردهای یک خانه در مفهوم عامش، جور در نیاید. اما با توجه به جامعه و کارکردش و نوع حضور شهروندان در آن، تقریباً اغلب خانه‌های استاندارد هم، فته‌رفته تنها به یک «سکونت‌گاه» تبدیل شده‌اند؛ جایی که فقط شب‌ها به آن جا بر می‌گردیم تا دوباره فردا روز به سر کارهای خود برویم. خانه‌های ما، دیگر به آن معنی، خانه نیستند. هر چند به‌عنوان مسکن، امنیت ما را تامین می‌کنند و به ما حس در «خانه» بودن می‌دهند.

خانه به‌جز ایجاد احساس امنیت، حس مسئولیت‌پذیری و موفقیت‌رانی نیز در ما تولید می‌کند. زیرا ما برای به‌دست آوردن و نگاه داشتن آن تلاش کرده‌ایم. درست مثل همان‌تن که خود را در عمل، بی‌خانمان نمی‌داند. او خود را صاحب خانه‌ای می‌داند که در پی یک ساختمان ساخته و در آن احساس امنیت می‌کند،

شهر برای یک فرد بی خانمان، محیطی تهدیدکننده و خطرناک است. و چنین است که پای دولت‌ها، به میان می‌آید؛ دولت‌هایی که قول تامین اجتماعی و داشتن سرپناه حداقلی را به مردم خود می‌دهند اما با سیاست‌هایی که در پیش می‌گیرند روز به روز از میزان این امنیت و از تعداد آنانی که می‌توانند سرپناهی داشته باشند، کم و کمتر می‌شود

و خانواده‌ها آهنگ زبان شناسانه مشترک و معانی نزدیک به هم دارند. در این فرهنگ مرز میان محرمان ساکن خانه وجود ندارد. از این رو، در خانه‌های سنتی ایران، فرزندان خانه هر کدام اتاق خصوصی خود را ندارند. وضعیت امروز خانه‌های ایرانی که فرزندان و والدین اتاق مخصوص دارند، متأثر از تحولات مدرن است و ریشه سنتی ندارد.

«خانه» حریم است!

داشتن سرزمین و خانه از خود علاوه بر این که در تثبیت و راهیابی از سرگشتگی اهمیت دارد، باعث به وجود آمدن حریم خصوصی هم خواهد شد، حریم جایی است که انسان می‌تواند در آن آرامش داشته باشد و آن گونه که خود فردیت فرد ایجاد می‌کند در خانه خود زندگی کند. حریم جایی است که انسان در آن حرمت داشته و آن را پاس نگه می‌دارد. خانه هم در فرهنگ هر جامعه‌ای حریم خصوصی افراد است که باید مورد رعایت و احترام قرار گیرد و به آن تجاوز نشود. تجاوز به حریم فرد تجاوز به هویت و حیثیت اوست. خانه «حریم فرهنگی» است، که ما را از دیگر افراد جدا می‌کند. در عین حال زندگی و همزیستی ما با دیگران را هم در یک حریم مشترک ممکن می‌سازد. اما این حریم‌برایی زن الونک‌نشین ما چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ تقریباً هیچ معنایی! برای حاشیه‌نشینان، برای خیابان و کارتن‌خواب‌ها، حریم هیچ معنایی ندارد. آنان مدام در دسترس اند، حریم خصوصی ندارند و در مقابل نگاه خیره دیگران، روزگار می‌گذرانند. برای آنان، شهریک سکونت‌گاه محض است که راه فراری از آن ندارند و نمی‌توانند در آن طعم آرامش و امنیت، ایچشوند. از این رهگذر شهر برای یک فرد بی‌خانمان محیطی تهدیدکننده و خطرناک است. و چنین است که پای دولت‌ها، به میان می‌آید؛ دولت‌هایی که قول تامین اجتماعی و داشتن سرپناه حداقلی را به مردم خود می‌دهند اما با سیاست‌هایی که در پیش می‌گیرند شاهدیم که روز به روز از میزان این امنیت و از تعداد آنانی که می‌توانند سرپناهی داشته باشند کم و کمتر می‌شود.

از گوشه و کنار

به دنبال انتشار بوی بد در تهران صورت می‌گیرد

پایش ویژه «بو» در هوای پایتخت



چهارشنبه هفته پیش (۱۲ دی‌ماه)، بویی نامطبوع هوای برخی مناطق تهران را در بر گرفت و موجب آزار و نگرانی شهروندان شد. با وجود گمانه‌زنی‌های متعدد در مورد منشأ بو، مدیر کل دفتر پایش فراگیر سازمان محیط زیست اعلام کرد: سازمان حفاظت محیط زیست طی برنامه‌ای ویژه و فشرده «ترکیبات آلی و گازهای محیطی» را در مناطقی از تهران که شدت بو بالا بود، پایش می‌کند. شینا انصاری افزود: برای تعیین پارامترهای مولد بو باید با استفاده از پمپ‌های مکند از مناطقی که در آن شدت بو بالاست، نمونه‌برداری و به آن آزمایشگاه گاز کروماتوگرافی برای تعیین پارامترها منتقل شود. وی تاکید کرد: در مورد بوی نامطبوعی که عصر روز چهارشنبه (۱۲ دی)، در برخی مناطق تهران منتشر شد به‌نظر می‌رسد باید در مکان‌هایی که شدت بو بیشتر بود نمونه‌برداری از هوای محیط با پمپ‌های مکند صورت گیرد و پس از انتقال به آزمایشگاه، نوع گاز متصاعد شده شناسایی شود. بنابراین به‌منظور جلوگیری از مشکل احتمالی آتی، دفتر پایش فراگیر سازمان حفاظت زیست با همکاری اداره کل محیط زیست استان تهران طی هفته جاری برنامه فشرده ویژه‌ای را به منظور پایش ترکیبات آلی فرار و گازهای محیطی، در مناطقی از تهران که بیشترین گزارش شدت بو را داشته‌اند، انجام می‌دهد.

پیش‌بینی مجمع جهانی اقتصاد در باره رفع شکاف جنسیتی:

۱۰۸ سال برای رفع نابرابری میان زنان و مردان



گزارش شکاف جنسیتی سال ۲۰۱۸ پیش‌بینی کرده که برای کل شاخص‌ها ۱۰۸ سال تا رفع نابرابری‌ها زمان لازم است؛ و در حوزه اقتصاد ۲۰۲ سال، در سیاست ۱۰۷ سال، در آموزش ۱۴ سال و در سلامت نیز حدود ۱۴ سال به فرصت نیاز است تا نابرابری‌های جنسیتی در جهان رفع شوند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده، شکاف جنسیتی یکی از چند شاخصی است که نابرابری‌های جنسیتی را سنجش می‌کند. برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ میلادی ۱۱۵ کشور در این ارزیابی شرکت کردند و امسال بعد از گذشت ۱۲ سال بیشترین حجم نمونه وجود داشته که به ۱۴۹ کشور رسیده است. در آخرین گزارش، ایران در مجموع ۱۴۹ کشور در رتبه ۱۴۲ و جزو ۱۰ کشور با بیشترین شکاف جنسیتی قرار گرفته است.

معاون سازمان بهزیستی خبر داد: ایجاد مرکز درمان کودکان معنادار

معاون پیشگیری از اعتیاد سازمان بهزیستی کشور با اشاره به این که مرکز درمان کودکان معنادار اندازی می‌شود، گفت: ۵ هزار خانوار تحت پوشش طرح خانه‌های پیشگیری از اعتیاد قرار می‌گیرند. فریدبراتی سده به طرح‌های پیشگیرانه سازمان در خصوص اعتیاد اشاره کرد و گفت: اجرای پیمایش ملی خانواده در شیوع مصرف مواد مخدر و روانگردان یکی از برنامه‌های مهمی بود که از سوی بهزیستی در همکاری ستاد مبارزه با مواد مخدر برگزار شد و در این طرح اقدامات پیشگیرانه خانه‌ها به‌انجام شد. وی با اشاره به اینکه تا پایان سال ۵۰۰۰ هزار خانوار تحت پوشش طرح پیشگیرانه خانه‌ها به‌انجام قرار می‌گیرند، افزود: طرح الگوی نوین در پیشگیری از اعتیاد در محلات پرخطر یکی دیگر از طرح‌های در حال اجراست که تاکنون در ۲۵ محله پرخطر اجرایی شده است و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال تعداد پوشش محلات به ۲۵ محله برسد. براتی سده از ایجاد مرکز درمانی کودکان معنادار نیز خبر داد و گفت: با توجه به این که در حال حاضر مرکز درمانی برای کودکان معنادار کشور وجود ندارد و قصد داریم مرکز را برای درمان این کودکان ایجاد کنیم.

نشانه‌هایی از عزلت‌گزینی، انزوا و گوشه‌گیری می‌بینم. همکاران روان‌شناس نیز از مراجعه والدینی خبر می‌دهند که فرزندان‌شان به شکل خودخواسته خویش را در اتاق‌های‌شان حبس کرده‌اند و علاقه‌ای ندارند به جامعه در ارتباط باشند. برخی از دانش‌جویان قدیمی‌ام به‌تنهایی در خانه‌های جنگلی و یاد حاشیه روستاها زندگی می‌کنند و دلایل آن‌را نه دوستی با طبیعت بلکه دور شدن از نگاه سرزنش‌آمیز و تحقیرآمیز اطرافیان ذکر می‌کنند. مسئله انسان انتظار شدید جامعه برای موفقیت‌های مادی، شغلی و تشکیل خانواده از یک‌طرف و از طرف دیگر، فقدان هرگونه فرصت مناسب برای تحقق این انتظارات توسط آن‌هاست. با توجه به وخیم‌تر شدن بحران اقتصادی در ایران و بیکاری گسترده، می‌توان انتظار داشت که بر تعداد جوانان منزوی و گوشه‌گیر افزوده شود. جوانانی که در جامعه هستند ولی با جامعه نیستند، باید توجه داشت که از باقی‌بمانده‌های جسمی و فیزیکی ظهور نمی‌یابد. مرتون پنهان‌ن‌ن به‌دامان الکل یا مواد مخدر را نیز نوعی انزوا‌گزینی ذهنی و دور شدن از جامعه می‌داند.

از نظر مادی موفق‌تر ششون ولی در عمل؛ راه پذیرفته شده‌ای پیش روی آن‌ها قرار ندارد تا از نظر مادی پیشرفت کنند. پرسش مرتون آن است که افراد در این وضعیت چه وکنشی از خود نشان می‌دهند؟ نظر به مرتون «نظر به فشار یا تقلا» نام دارد. منظور فشاری است که فرد در موقعیت نظیر آنچه در مثال‌های بالا گفتیم تجربه می‌کند و همین فشار او را به پیراهنه‌ها یا میان‌برها سوق می‌دهد. انزوا و یا گوشه‌گیری یکی از پاسخ‌های ممکن به شرایط توأم با فشار است. در این وضعیت، افراد به تدریج خود را از جامعه دور می‌کنند. از نظر مرتون برخی از آن‌ها به الکل و یا مواد مخدر پناه می‌برند، می‌نوشند تا از نظر ذهنی خود را از جامعه دور کنند. مرتون معتقد بود که این افراد در ابتدا تلاش کرده‌اند تا با انتظارات جامعه همراه و همگام شوند ولی دچار سرخوردگی، ناکامی و احساس تحقیر شده‌اند و به همین دلایل انزوا را برگزیده‌اند.

هر چند جامعه؛ پس با جامعه ایران تفاوت دارد ولی این روزها در بین دانشجویان قدیمی‌ام که هنوز شغلی نیافتاده

در جامعه هستند، ولی با جامعه نیستند

اولین جامعه‌شناسانی بود که به موضوع «انزوا یا انزوا گزینی» retreatism توجه نشان داد و به توصیف افرادی پرداخت که به تعبیر او گوشه‌عزلت برمی‌گزینند و خویش را در قرنطینه‌ای خودخواسته قرار می‌دهند، حصار می‌کشند و به تدریج از جامعه فاصله می‌گیرند. نوعی تبعید یا بریدن خودخواسته از جامعه به ناکجا آباد.

مشکل زمانی بروز می‌کند که چنین امکانی وجود نداشته باشد. مثلاً شرایط خوب مادی یک‌بار زود مورد قبول جامعه باشد ولی جامعه نتواند شغل مناسب برای دسترس به این هدف را در اختیار افراد قرار دهد، و یا تشکیل خانواده، یک ارزش باشد ولی افراد شرایط مالی مناسب برای تشکیل خانواده نداشته باشند؛ شماشید یا انتظار می‌رود که اسب‌سوار شوید و این در حالی است که اسبی وجود ندارد یا جامعه از اعضای انتظار دارد روز بروز

فردین علیخواه، جامعه‌شناس

در سال‌های اخیر تعداد قابل توجهی از جوانان ژاپنی به سنت «هایکی کوموری» توجه نشان داده‌اند. آنان ماه‌ها خود را در اتاق خانه‌شان حبس؛ و ارتباطشان را با جامعه قطع می‌کنند. اتاق به‌هم‌ریخته و رفتن به دنیای درون؛ بدون هیچ هدف مشخصی؛ یکی از ویژگی‌های این جوانان است. برخی از جامعه‌شناسان بر این نظر هستند که انتظار شدید و کشنده جامعه ژاپنی از آنان برای موفقیت شغلی، مالی و تحصیلی باعث شده است تا آنان به دلیل هراس از کابوس ناکامی‌ها و مواجهه با تحقیرهای اطرافیان، گوشه‌عزلت برگزینند و به اصطلاح؛ هایکی کوموری کنند. شاید بتوان گفت که در مطالعات اجتماعی، رابرت مرتون از